



درباره:

بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی و

ساماندهی ضوابط حاکم بر سیاست های پولی کشور

بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی در آخرین روزهای فروردین ماه ۱۳۸۷ اعلام گردید تا ضوابط حاکم بر سیاست های پولی کشور، سازمانی جدید باید. در این بسته سیاستی سعی شده است نحوه فعالیت بانک ها در مسیر جذب سپرده مردم از یک طرف، و چگونگی اعطای اعتبار از طرف دیگر، روشن شود و بنابراین دست اندرکاران کسب و کار در کشور بدانند که تحت چه ضوابطی می توانند فعالیت های خود را سامان بخشند.

این اقدام مثبت را باید به بانک مرکزی تبریک گفت که در انسجام دادن سیاست ها و اعلام آن پیش قدم شده است. این امر، صرف نظر از محتوی آن، اقدامی درخور تقدیر است زیرا مردم را از بلا تکلیفی درمی آورد و سردرگمی در فضای کسب و کار را کاهش می بخشد.

اقدام درخور توجه دیگر بانک مرکزی و به خصوص رئیس کل آن، تشکیل جلسات متعدد با مدیران سیاست گذار از یک طرف و مدیران کسب و کار از طرف دیگر بود که در آن جلسات سعی در توجیه وجوه مختلف سیاست های پولی کرد و جلسه اخیر رئیس کل بانک مرکزی با مدیران

ارشد اتاق های بازرگانی، اتحادیه ها و مدیران کسب و کار در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ که در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل شد، از آن جمله بود. طبیعی است که بحث و گفتگوی متقابل، تأثیر قابل توجهی در ایجاد فضای تفاهم داشته و به همین دلیل جو مثبتی درباره اعمال سیاست های اعلام شده به وجود آمده است.

تشکیل جلسات با ذینفعان اعتبارات بانکی از آن جهت بسیار مثبت بوده که با اعلام سیاست پولی انقباضی از سوی بانک مرکزی، به نارضایتی اکثر مصرف کنندگان اعتبار منجر شده است، در حالی که تعداد زیادی از مدیرانی که در جلسات مذکور شرکت کرده اند، از اقدام بانک مرکزی استقبال می کنند، زیرا به این تفاهم دست یافته اند که ایجاد محدودیت در اعطای اعتبار بانک مرکزی به بانک های تجاری و تخصصی از یک طرف مانعی برای جلوگیری از رشد بیشتر تورم لجام گسیخته بوده است و از طرف دیگر، بانک مرکزی چلوی اعتباراتی را گرفته که در دو سال گذشته از طریق قرض گرفتن از بانک مرکزی به صورت غیرقابل

توجهی گسترش یافته بود. به عبارتی دیگر، طی دو سال گذشته بانک های تجاری و تخصصی با قرض گرفتن از بانک مرکزی، به مردم و عموماً طرح های زودبازده وام داده اند، در حالی که این اقدام رویه معمول بانکها نیست و وام گرفتن از بانک مرکزی فقط برای جبران کمبودهای مقطعی است، در صورتی که در دو سال گذشته، بدهی بانک ها به بانک مرکزی چندین برابر شده است.

از دید سیاست های پولی، بانک های مرکزی دنیا با اعطای وام ارزان به بانک های تجاری، سیاست پولی انبساطی و با اعطای وام های گران (گرانتر از بازار)، سیاست پولی انقباضی را اجرا می کنند؛ که سیاست دوم به گران شدن نرخ وام در بازار منتهی می شود. ولی اتفاقی که طی دو سال گذشته در ایران افتاده، بسیار عجیب و غیرعادی است، زیرا بانک مرکزی با نرخ حدود ۳۵ درصد به بانک ها وام داده است (یعنی سیاست انقباضی) و بنابراین بانک ها باید مقدار کمتری از بانک مرکزی وام بگیرند (چون نرخ گران است) ولی برعکس، بانک ها به مقدار بسیار بیشتری وام

گران (۳۵ درصد) گرفته اند و آن را با نرخ ۱۲ درصد به طرح های زودبازده و ... اختصاص داده اند.

این امر نشانه آن است که مکانیزم بازار در ایران - حداقل در این مورد - به درستی عمل نکرده است و دلیل آن شاید روشن باشد، زیرا که مدیران بانک ها به دلایل غیر اقتصادی، اقدام به اعطای اعتبارات ارزان کرده اند و بنابراین طبیعی است که مکانیزم بازار در فضای غیر اقتصادی عمل نمی کند.

به دلیل ایجاد فضای غیر اقتصادی، بانک مرکزی چاره ای نداشت جز آن که به صورت دستوری، جلوی اعطای اعتبار به بانک های تجاری را بگیرد (سه قفله کردن خزانه بانک مرکزی) و این اقدام مثبت بانک مرکزی مانع از افزایش بیشتر پایه پولی گردید که می توانست نقدینگی را

✓ طی دو سال گذشته

بانک های تجاری و تخصصی با قرض گرفتن از بانک مرکزی، به مردم و عموماً طرح های زودبازده وام داده اند، در حالی که این اقدام رویه معمول بانک ها نیست و وام گرفتن از بانک مرکزی فقط برای جبران کمبود های مقطعی است، در صورتی که در دو سال گذشته، بدهی بانک ها به بانک مرکزی چندین برابر شده است.

به چندین برابر (ضرب در ضریب فزاینده پولی) افزایش دهد.

ولی در طرف مصرف اعتبارات، اتفاقات دیگری در جریان است: اول آن که بانک های تجاری هنوز به بانک مرکزی فشار می آورند که به آنها اعتبار ۳۵ درصدی بدهد که آن را صرف وام های ۱۲ درصدی کنند (این اقدام عملاً به سوی ورشکسته کردن بانک حرکت می کند) که ظاهراً بانک مرکزی با پشتوانه دولت مانع از افزایش بیشتر نقدینگی از این طریق شده است. در وجه دیگر، مصرف کنندگان اعتبار که به یکباره با محدودیت اعتبار بانک ها روبرو شده اند، با مشکلات جدی درگیر هستند؛ به خصوص مدیران کسب و کاری که سالیان طولانی بر اساس الگوی مشخصی از بانک ها اعتبار گرفته اند و نقدینگی واحد خود را تنظیم نموده اند، با مشکلاتی مواجه شده اند که بانک مرکزی می بایست برای برطرف کردن مشکل آنان فکری اساسی نماید.

باید اذعان کرد که طی دو سال گذشته الگوی مصرف اعتبارات کاملاً تغییر کرده و وجوه عموماً به سوی فعالیت هایی رفته است که بازده اقتصادی آنان در جامعه منعکس نمی شود. حال با ایجاد محدودیت بانک مرکزی، الگوی شکل گرفته تغییر خواهد کرد و مصرف کنندگان اعتبار با مشکل مواجه خواهند شد که باید برای آنان الگوی جدیدی تعریف کرد.

مصرف کنندگان اعتبارات بانکی را می بایست به دو دسته تقسیم کرد: اول آنان که تازه وارد بازار شده اند و دوم آن گروه از مدیران کسب و کار که سابقه فعالیت طولانی با بانک ها داشته اند. تازه واردین به بازار را نیز باید به دو دسته تقسیم نمود: آنان که واقعاً فعالیت اقتصادی جدیدی را شروع کرده اند و باید به آنان برای ادامه فعالیتشان یاری رسانند و گروه دوم، افراد یا نگاههایی هستند که وجوه را به جای راه اندازی یک فعالیت اقتصادی جدید، صرف فعالیت های دیگر از جمله خرید زمین و آپارتمان کرده اند که این دسته را باید از بازار حذف کرد.

طبیعی است مشتریان قدیمی بانک ها می بایست مورد حمایت قرار گیرند و اجازه داده نشود که در تغییر سیاست ها به آنان لطمه ای وارد آید. بسته سیاسی - نظارتی بانک مرکزی، در واقع سعی کرده است این نظم جدید را سامان بخشد که در آن میان، افراد یا نگاهه هایی که وجوه دریافتی را به مصرف فعالیت های غیر اقتصادی رسانده اند، از دریافت اعتبار بیشتر محروم گردند و آنان که واقعاً در پی انجام یک فعالیت اقتصادی مناسب هستند، مورد حمایت قرار گیرند.

به علاوه، بانک مرکزی سعی کرده است به بانک های کشور کمک نماید تا به جای قرض گرفتن از بانک مرکزی بتوانند سپرده مردم را جذب نمایند تا امکان اعطای اعتبار بیشتری را داشته باشند.

لازمه جذب سپرده ها آن است که سود پرداختی به سپرده گذاران بیشتر از نرخ تورم باشد و بنابراین بانک مرکزی در تعریف عقود مشارکتی در بسته سیاسی این مهم را ملحوظ داشته که سود مورد انتظار در عقود مشارکتی، باید حداقل به میزان نرخ تورم باشد. ولی تکلیف نرخ عقود مبادله ای در این بسته نامعلوم مانده است. طبیعی است نرخ عقود مبادله ای نیز نمی تواند کمتر از نرخ تورم باشد، زیرا در غیر آن صورت، اولاً تضادی در درون بسته سیاسی به وجود می آید که ناشی از تفاوت بین سود عقود مشارکتی و عقود مبادله ای است و در ثانی، اگر نرخ عقود مبادله ای کمتر از نرخ تورم تعریف شود، نرخ سود سپرده گذاران نیز کمتر از نرخ تورم تعریف خواهد شد و در نتیجه، جذب وجوه سپرده گذاران محدود

می شود و بنابراین اعطای اعتبار بانک ها به جامعه کاهش خواهد داشت.

به نظر می رسد سیاستگذاران اقتصادی در برابر یک تصمیم بسیار مهم قرار گرفته اند. تجربه گذشته نشان داده است که اگر تصمیمات اقتصادی (از جمله تعیین نرخ سود بانکی) برخلاف شرایط بازار گرفته شود، اقتصاد راه خود را به تدریج خواهد پیمود که تصمیمات نامناسب را دور بزند و این امر موجب می گردد فعالیت های غیر شفاف در اقتصاد شکل گیرد که مثال روشن آن، پناه بردن بانک ها به عقود مشارکتی، به جای عقود مبادله ای، در دو سال گذشته است، زیرا در عقود مشارکتی، نرخ سود غیر شفاف است و می توان نرخ های بالا را برای آنان به کار گرفت، در صورتی که اگر سعی نماییم عقود مبادله ای را

✓ لازمه جذب سپرده ها آن

است که سود پرداختی به

سپرده گذاران بیشتر از نرخ تورم

باشد و بنابراین بانک مرکزی در

تعریف عقود مشارکتی در بسته

سیاستی این مهم را ملحوظ داشته

که سود مورد انتظار در عقود

مشارکتی باید حداقل به میزان نرخ

تورم باشد. ولی تکلیف نرخ عقود

مبادله ای در این بسته

نامعلوم مانده است.

رواج دهیم، نرخ ها شفاف تر هستند و بانک ها نیز می توانند با نرخ های از پیش تعیین شده، شفافیت در فعالیت های اقتصادی را گسترش دهند.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ضمن پشتیبانی از تلاش دولت برای کاهش هزینه های سرمایه گذاری، معتقد است کاهش نرخ بهره، منوط به کاهش نرخ تورم است و نمی توان با کاهش دستوری نرخ بهره، تورم را کاهش داد. بنابراین مدیران کسب و کار خصوصی معتقدند، در صورت التزام به سیاست های پولی اعلام شده، می توان افزایش نرخ تورم را تا حدودی مهار کرد و همزمان برای تخصیص بهتر اعتبارات، به خصوص به آنان که فعالیت اقتصادی بهینه دارند و وقفه در کار آنان وسیله بیکاری گروه کثیری از شاغلین را به وجود خواهد آورد، کمک رسانند تا محدودیت های ایجاد شده، منجر به افزایش بیکاری در جامعه نشود.

